

ناکهان شعر



صفای اصفهانی

دل پردی از من به یغما ای ترک غارتگر من دیدی چه آوردی ای دوست از دست دل بر سر من عشق تو در دل نهان شد دل زار و تن ناتوان شد رفتی چو تیر و کمان شد از بار غم پیکر من

می سوزم از اشتیاقات در آتشم از فراق  
کانون من سینه من سودای من آذر من  
من مست صهبای باقی ز آن ساتگین روایی  
فکر تو در بزم ساقی ذکر تو مرا شگر من

دل در تف عشق افروخت گردون لباس سیه دوخت  
از آتش آه من سوخت در آسمان اختر من  
گبر و مسلمان خجل شد دل فتنه آب و گل شد  
صدر خنه بر ملک دل شد ز اندیشه کافر من

سلطان سیر و سلوکم، مالک رقاب ملوکم  
در سوزم نیست سوگم بین نغمه مزمر من  
در عشق سلطان بختم، در باغ دولت در ختم  
خاکستر فقر تخرتم، خاک فنا افسر من

با خار آن یار تازی چون گل کنم عشق بازی  
ریحان عشق مجازی نیش من و نشتر من  
دل را خریدار کشیم، سرگرم باز خویشم  
اشک سپید و رخ زرد سیم من است و زر من

اول دلم را اصفا داد، آیینه ام را جلاد داد  
و آخر به یاد فنا داد عشق تو خاکستر من  
تا چند در های هوایی ای کوس منصوری دل  
ترسم که ریزد بر خاک خون تو در محضر من

بار غم عشق اورا گردون نیار تحمل  
کی می تواند کشیدن این پیکر لاغر من  
دل دمز سر صفاد کوس تو بر بام مازد  
سلطان دولت نواز در فقر در کشور من

\*\*\*



فاضل نظری

بی قرار توام و در دل تنگم گله هاست  
آه بی تاب شدن، عادت کم حوصله هاست

همجو عکس رخ مهتاب که افتاده در آب  
در دلم هستی و بین من و تو فاصله هاست

آسمان با فقس تنگ چه فرقی دارد  
بال وقتی فقس پر زن چلچله هاست

بی توهر لحظه مرابیم فرو ریختن است  
مثل شهری که به روی گسل زلزله هاست

باز می پرسمت از مسئله دوری و عشق  
و سکوت تو جواب همه مسئله هاست

# تاخت و تاز سارقان در قلمروی فرهنگی ایران



استادان شمس الحق آریان فر، یعقوب یسناو شکوفه اکبر زاده در گفت و گو با خراسان

از سرقت و نابودی گسترده کتیبه های فارسی در افغانستان خبر می دهند که اطلاعات ذی قیمتی از پیشینه فرهنگی ایران بزرگ در خود دارند

عکس از تزیینات است

«کافر نوشته» معروف است و یادگاری از دوران اشکانیان است و نقش های آن شبیه نقش هایی است که در شیراز وجود دارد، اما متأسفانه این کتیبه ها افتاده در حال نابودی است.

## کاش کتیبه ها ناشناخته باقی بماند

فرشته اکبر زاده استاد تاریخ زبان فارسی در گفت و گو با خراسان می گوید: سرنوشت کتیبه های زبان فارسی در افغانستان از گذشته های دور تا امروز دچار شرایط نامناسبی است. چند سال قبل که از آرشیو ملی افغانستان دیدن می کردم شیوه نگهداری نسخه های خطی بسیار نامناسب بود و بی تردید درباره کتیبه ها هم نگهداری شایسته ای در دستور کار نیست. در موزه کابل که کتیبه های مختلف از جمله کتیبه های زبان فارسی در آن نگهداری می شود شرایط نامناسبی را شاهدیم. این یک واقعیت است که کتیبه هایی که از افغانستان و به کشورهای دیگر منتقل شده سالم تر مانده است.

این استاد دانشگاه افزود: جنگ باعث شده دولت های ما کمتر به آثار باستانی از جمله کتیبه های زبان فارسی اهمیت دهند. فقط در کوتل بلان (یکی از شهرهای افغانستان) ۶۰ کتیبه گلی وجود داشته است، اما امروز نمی دانیم چه بلایی به سر این کتیبه ها آمده است. وقتی کتیبه های خطی به راحتی به سرقت می رود این کتیبه ها که در کوه و بیابان رها مانده و ارزش مادی بیشتری دارد در معرض آسیب بیشتری است. هم اکنون بهترین آرزویی که می توانیم برای کتیبه ها به زبان فارسی و همچنین آثار باستانی دیگری در افغانستان داشته باشیم این است که در شرایط کنونی کشف نشوند تا زمانی که افغانستان روی خوش آرمی را به خود ببیند و آیندگانی که قدر این آثار را بیشتر می دانند برای نجات آن ها کارهایی انجام دهند. از دوره کوشانیان آثار باستانی فراوانی در کشور افغانستان وجود داشت و امروز ما نمی دانیم چه تعداد از این آثار به سرقت رفته و چه تعداد در جنگ های داخلی نابود شده است.

کتیبه ها می شناسیم و حتی درباره پیشینه زبان های امروز نیاز به مراجعه به کتیبه های زمان اردشیر بابکان ضروری به نظر می رسد. از جمله این نوع کتیبه ها که در افغانستان می توان به آن اشاره کرد کتیبه های «سرخ کوتل» در بغلان و برخی کتیبه ها در شمال افغانستان است. زبان شناسان تاریخی معمولاً راجع شان به پیشینه زبان فارسی به همین کتیبه هاست. در گذشته به دلیل این که کتاب وجود نداشته همین گل نوشته ها و سنگ نوشته ها مهم ترین منابع زبان شناسی بوده است. کتیبه ها نه تنها برای شناخت زبان فارسی بلکه برای شناخت پیشینه فرهنگی و تاریخی کل حوزه فرهنگی ایران دارای اهمیت فراوانی است و با نابودی این کتیبه ها نمی توان به شناخت رستی رسید. یسنا می افزاید: در افغانستان کتیبه های فراوانی از دوران باستان به یادگار مانده است، اما متأسفانه به دلیل این که همیشه کشور افغانستان در گیر جنگ بوده آثار باستانی و کتیبه ها محکوم به ویرانی یا سرقت بوده است. مشکل دیگر این است که برای حفظ این کتیبه ها کشورهای دیگر نمی توانند وارد عمل شوند و اگر کشوری قصد حفظ این کتیبه ها را داشته باشد با اتهام دخالت در امور کشور های دیگر روبه رو می شود.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا هم اکنون آمار و ارقامی از کتیبه ها به زبان فارسی در افغانستان وجود دارد؟ گفت: گمان نمی کنم آمار خاصی از کتیبه ها در دسترس باشد. موزه کابل و آکادمی علوم افغانستان که دارای چند بخش هستند شاید آماري آن هم به صورت نه چندان دقیق در دسترس داشته باشند.

## سرقت کتیبه ها توسط دولتی های افغانستان!

یسنا خاطرنشان می کند: در طول ۲۰ سال گذشته و حتی پیش از آن، این کتیبه ها توسط خود مقامات حکومتی و افرادی که در دولت دارای مقام و صلاحیت بودند به سرقت رفته و سر از کشورهای اروپایی درآورده است. امروز در افغانستان کتیبه ها و سنگ نوشته های فراوانی به زبان فارسی داریم که هنوز شناسایی نشده است. هم اکنون سنگ نوشته ای در بغلان است که به

منسوب شد. این فرد در هر جای افغانستان کتیبه خطی و هر اثری به زبان فارسی به دست می آورد، بلافاصله نابود می کرد. کار به جایی رسیده بود که با مبالغ هنگفت، کتیبه های خطی فارسی را خریداری و سپس نابود می کرد. او که فردی پشتون زبان بود این اقدامات را با آگاهی کامل و به قصد از بین بردن مظاهر زبان فارسی انجام می داد.

## کتیبه هایی که سوار بر کامیون سرقت شد

وی می افزاید: اگر شما امروز به باغ عمومی بلخ سری بزنید، بعد از گذشت سال ها با کتیبه های شکسته ای به زبان فارسی روبه رو می شوید که توسط محمد گل، با هدف نابودی این کتیبه ها جمع آوری شده است. امروز نیز طالبان همین کار را به بهانه های دینی پی گرفته است و حتی اگر بر قبری به زبان فارسی چیزی نوشته شده باشد آن سنگ قبر را می شکنند. در حقیقت برای طالبان، سنگ قبری که امروز نصب شده باشد یا کتیبه های هزاران ساله فرقی ندارد و هر اثری به زبان فارسی ببیند نابود می کند. این پژوهشگر زبان فارسی تصریح می کند: بعد از این که فرانسوی ها در سال ۴۵ به افغانستان آمدند اقداماتی برای حفظ این کتیبه ها انجام شد. در زمان جنگ های داخلی با کامیون های زیادی کتیبه ها و آثار تاریخی را دیگر این آثار تاریخی تاراج شد و به بیرون انتقال یافت. وی می گوید: در کشور افغانستان تعدادی کتیبه یونانی پیدا شده بود که اگر چه به زبان فارسی نبود، اما توضیحات موثری درباره زبان فارسی و قدمت آن در خود داشت ولی افسوس که امروز از سرنوشت این کتیبه ها هیچ اطلاعی در دست نیست. امروز، طالبان افرادی را برای آیین بردن فرهنگ خراسان زمین و زبان فارسی گمارده است و جنگ با زبان فارسی و کتیبه های تاریخی افغانستان همچنان در جریان است.

## آمار دقیقی از کتیبه ها در دسترس نیست

یعقوب یسنا، اسطوره شناس و استاد زبان و ادبیات فارسی درباره اهمیت کتیبه های فارسی می گوید: ما زبان های باستان را اصولاً از روی



محمد بهبودی نیا

culture@khorasannews.com

هفته گذشته در روزنامه خراسان، گزارشی تحلیلی درباره خطر نابودی هفت هزار کتیبه به زبان فارسی از آفریقا تا شرق چین نوشتم. کتیبه هایی که در کشورهای مختلف در شرایط نامناسبی نگهداری می شوند، ولی اقدامات موثری برای حفظ این کتیبه ها که میراث ماندگار زبان فارسی به شمار می آیند در دستور کار هیچ کس نیست. در این میان به جرئت می توان شرایط کتیبه های موجود در افغانستان را ناگوارتر دانست. افغانستان، کشوری که علاوه بر این که هیچ آماری از کتیبه هایش به زبان فارسی در دست نیست آتش جنگ و بمباران ها و کج سلیقگی ها تعداد زیادی از این کتیبه ها را به نابودی کشانده است. برای بررسی وضعیت کتیبه های فارسی در کشور افغانستان با سه چهره سرشناس این کشور از جمله شمس الحق آریان فر، روزنامه نگار رئیس رادیو و تلویزیون کشور افغانستان (پیش از حضور طالبان)، یعقوب یسنا، استاد زبان و ادبیات فارسی و اسطوره شناس افغانستانی و شکوفه اکبر زاده نسخه شناس و استاد تاریخ زبان فارسی گفت و گو کرده ایم.

## «محمد گل» از بزرگ ترین نابودگران کتیبه های زبان فارسی

شمس الحق آریان فر، رئیس رادیو و تلویزیون افغانستان (پیش از حکومت طالبان) در گفت و گو با خراسان می گوید: در زمینه کتیبه ها در افغانستان متأسفانه شاهد سیاستی ناسالم از گذشته تا امروز هستیم. کینه توزی به کتیبه های زبان فارسی به سال های دور بر می گردد. زمانی که نادر خان، توسط وزیر «محمد گل» که از اقوام پشتون بود به قدرت رسید. وزیر محمد گل از فاشیست های درجه یک افغانستان در آن زمان بود. او شخصی بود که آگاهانه به عنوان رئیس ترجمه به شمال افغانستان رفت و به عنوان مسئول تام الاختیار



## امیر خانی: نباید به بهانه ترس از ممیزی از مخاطب غافل شویم

خالق رمان «ارمیا» از وضعیت کنونی ادبیات داستانی و چالش های آن می گوید

## گروه ادب و هنر – به گفته رضا امیر خانی،

در گذشته وضعیت ادبیات داستانی مانسبت به کشورهای اطراف بهتر بود؛ اما امروز نیز، نسبت به عراق و پاکستان در ادبیات داستانی وضعیت بهتری داریم، اما به مرور زمان، در حال از دست دادن این جایگاه هستیم. مهم ترین مزیت انقلاب اسلامی این است که ما را به هویت خود بازگرداند و داستان ها را از فضای ارباب و رعیتی به سمت پرداختن به هویت های حقیقی پیش برد. البته امروزه، افول در داستان نویسی فقط مربوط به کشور ما نیست بلکه روسیه و تاجیکستان را نیز شامل می شود و دلیل آن هم موضوعات هویتی است. یکی دیگر از دلایل این افول می تواند این باشد که مسیر پیشرفت از بین رفته است و نویسندگان، دیگر به دنبال سوالات جوانان و پاسخ به آن هانیستند.

به گزارش خراسان، نخستین نشست انجمن ادبی «عصر داستان» با حضور «رضا امیر خانی» از نویسندگان معاصر کشور به همت مکتب هنر رضوان در مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی برگزار شد. رضا امیر خانی در ابتدای این نشست با اشاره به آثار ماندگار سعید تشکری از نویسندگان برجسته خراسان گفت: سعید تشکری را می توان جزو پیشخانان آن عرصه بومی نویسی و ادبیات اقلیمی دانست؛ زنده یاد تشکری فضای خراسان را به خوبی می شناخت و آثار او برای دوستان مشهدی و خراسانی، یک اتفاق مهم بود. متأسفانه امروز، نویسندگانی که فضای اطراف خود را به خوبی شناسند، کم داریم. تشکری از جمله ذخایر ی بود که همچنان می شد از وجودش بهره مند شویم. قیصر امین پور

## جایگاه ادبیات داستانی امروز ایران در جهان

رضا امیر خانی با اشاره به جایگاه نویسندگان امروز ایران در جهان افزود: در گذشته وضعیت ادبیات داستانی ما نسبت به کشورهای اطراف بهتر بود. ما امروز نسبت به عراق و پاکستان ادبیات داستانی وضعیت بهتری داریم، اما به مرور زمان، در حال از دست دادن این جایگاه هستیم. مهم ترین مزیت انقلاب اسلامی این است که ما را به هویت خود بازگرداند و داستان ها را از فضای ارباب و رعیتی به سمت پرداختن به هویت های حقیقی پیش برد. البته امروزه، افول در داستان نویسی فقط مربوط به کشور ما نیست بلکه روسیه و تاجیکستان را نیز شامل می شود و دلیل آن هم موضوعات هویتی است. یکی دیگر از دلایل این افول می تواند این باشد که مسیر پیشرفت از بین رفته است و نویسندگان، دیگر به دنبال سوالات جوانان و پاسخ به آن هانیستند.

## نویسنده، خودش را سانسور نکند

امیر خانی در پاسخ به پرسش دیگری درباره ترس نویسنده از سانسور و ممیزی گفت: نباید به بهانه ترس از سانسور و ممیزی، از مخاطب غافل شویم. در فضای کنونی جهانی دیگر سانسور معنای گذشته را ندارد و روش های بسیاری وجود دارد که نویسنده می تواند مانع از سانسور شدن اثرش شود. نویسنده نباید خود سانسوری کند و ذهنش را بسته نگه دارد. بالاخره فضایی برای نشر کتاب پیدا راهکاری برای دور شدن از سانسور و ممیزی باز می شود.

امیر خانی در ادامه این نشست به موضوعاتی از قبیل سبک نویسندگی، چگونگی ایده پردازی، لزوم تحقیقات درباره موضوع داستان، نوشتن مداوم به صورت روزانه و ارزیابی ماهانه میزان نوشتن های روزانه توضیحاتی را ارائه داد.

## کمال گرایی ضربه زننده

وی در پاسخ به این سوال که چگونه برای آثار خود سؤال خلق کنیم؟ اظهار کرد: برخی از نوشته ها بر اساس چهل است و اگر شما دچار کمال گرایی بیش از حد شوید نمی توانید چیزی بنویسید. من در ۱۸ سالگی داستان «ارمیا» را نوشتم و دلیل اصلی آن هم این بود که در آن زمان فکر می کردم من تنها نویسنده ایرانی هستم که درباره موضوعی در زمینه دفاع مقدس که هیچ کس حواش نیست دارم رمانی می نویسم و این چهل، باعث شد تا انرژی زیادی برای نوشتن داشته باشم.

امیر خانی در پاسخ به پرسشی دیگر درباره چگونگی شخصیت پردازی در داستان گفت: پیدا کردن نقاط قوت در نویسندگی بسیار مهم است. هر نویسنده باید با تأکید بر نقاط قوتش در داستان نویسی از همان زاویه وارد شخصیت پردازی شود و از آن نقطه دور نشود. در ایران، بسیاری از نویسندگان به دلیل از دست دادن زود هنگام هیجان نوشتن، دچار جوان مرگی هنری می شوند پس باید حواسمان به این موضوع باشد.

ادبی

## آلمانی ها چگونه با حافظ

و فردوسی آشنا شدند؟



یک نویسنده و پژوهشگر ادبی تأکید دارد که مترجمان، شاعران و نویسندگان آلمانی در میان اروپاییان، پیشگام در ترجمه و تأثیر پذیری از شاهکار های ادبی فارسی به ویژه شاهنامه

بوده اند. امیر اسماعیل آذر در گفت و گو با ایبنا، سابقه آشنایی آلمانی ها با ادبیات فارسی را قرن هفدهم دانست و گفت: وقتی اولین هیئت سیاسی – اقتصادی در اواخر قرن شانزدهم از آلمان به دربار صفوی اعزام شد، همراه این هیئت، مترجمی به نام آدام اولتاریوس حضور داشت که نسخه ای از گلستان را با خود به آلمان برد. وی گلستان را به آلمانی ترجمه کرد و باعث شد آلمانی ها با ادبیات فارسی انس بگیرند. در همان قرن، مدرسه ای به نام «السنه شرقی» در فرانسه شکل گرفت که در آن، زبان های عربی، ترکی و فارسی تدریس می شد. وی با بیان این که به تدریج شخصیت های آلمانی مانند اشتیگلش، کنتس آیداهان هان و هاینریش هاینه تحت تأثیر شاهنامه آثاری به وجود آوردند، افزود: مردم آلمان توسط همین اثر، با ایران و شاهنامه فردوسی آشنا شدند. این نویسنده با اشاره به تأثیر سر ویلیام جونز انگلیسی بر شهرت شاهنامه در اروپا گفت: وقتی که جونز در قرن ۱۸ قسمتی از داستان های شاهنامه را ترجمه کرد، راه را برای بقیه اروپاییان باز کرد و تحقیق و ترجمه به تدریج در تمام کشورهای اروپایی آغاز و منجر به شهرت فردوسی در اروپا شد.

## سابقه ترجمه شاهنامه به آلمانی

وی درباره سابقه ترجمه بخش هایی از شاهنامه به آلمانی خاطر نشان کرد: شاهنامه فردوسی اول به صورت خلاصه در سال ۱۷۹۳ توسط س. ف. ج. وال و بعد از آن در سال ۱۸۱۱ توسط لودولف ترجمه شد و از دیگر مترجمانی که بخش هایی از شاهنامه را به آلمانی ترجمه کردند، می توان به یوزف فون هامر پورگشتال، خاورشناس اتریشی اشاره کرد که باعث شد کشورهای آلمانی زبان با حافظ هم آشنا شوند. او، همه دیوان حافظ و نیز بخشی از شاهنامه را به آلمانی ترجمه کرد و در سال ۱۸۱۸ در کتاب «سخنوری در ایران» زندگی نامه رمانتیکي درباره فردوسی نوشت که با روح ادبیات رمانتیک زمان، انطباق زیادی داشت و بسیاری از شاعران آلمان از جمله هاینریش هاینه، گروژه و روبرت را برانگیخت که راجع به فردوسی شعر بسرایند. اولین آلمانی ها که ترجمه کاملی از شاهنامه انجام دادند، ابتدا یوزف فون گورس و سپس شاک بودند.

## تأثیر پذیری شاعران آلمانی از حماسه ایرانی

اسماعیل آذر با تأکید بر این که تعداد زیادی از شاعران آلمانی تحت تأثیر شاهنامه قرار گرفته اند، افزود: شاعرانی از جمله هالیستن، فون استارکنفلس، هاینریش اشتیگلش، کنتس آیداهان هان، هاینریش هاینه و گروهی پس از طلعه ترجمه شاهنامه تلاش کردند ابیاتی را به سبک و سیاق این حماسه بزرگ ایرانی بسرایند. وی در پایان به گوته اشاره کرد و گفت: گوته آلمانی شیفته ادبیات فارسی بود و به ستایش فردوسی و عظمت شاهنامه پرداخت. همچنین نولدکه، هانس مولر و فریتس وولف، بارها به تحسین شاهنامه پرداخته اند، البته با وجود پیشگامی آلمانی ها در ترجمه شاهنامه، پس از ترجمه یوزف فون گورس و شاک، در ادامه فقط ترجمه هایی که به صورت تطبیقی مقایسه شاهنامه را با دیگر حماسه ها بیان می کرد، مورد توجه قرار گرفت.



غلط نویسیم

## تفریق/تفریق

این دو واژه را نباید به جای هم به کار برد. تفریق به معنای «کم کردن عددی از عدد دیگر» و تفریع به معنای «فارغ کردن» و «خالی کردن» است. تفریع حساب یعنی «واریز کردن حساب و فارغ شدن آن». بعضی به غلط تفریق حساب می نویسند.

## تنبور/طنبور

یکی از آلات موسیقی. تنبور واژه فارسی و معرب آن طنبور است. در متون قدیم هر دو صورت آمده است، اما امروزه بهتر است که با حرف «ت» و به صورت تنبور نوشته شود.

## حفاظت

از لغات مجعولی است که هرگز در عربی و متون معتبر ادبیات فارسی به کار نرفته است. به جای آن می توان گفت حفظ یا محافظت یا نگهداری.

بر گرفته از کتاب «غلط نویسیم» ابوالحسن نجفی